

این روزها تحلیل‌هایی در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود،از این قبیل که **ا برها** به شکل **مشکو کی** از آسمان ایران دزدیده می‌شود و مثلا ترکیه نمی‌گذارد **ا برها** وارد آسمان ایران شود یا از سلاح هارپ به عنوان یک سلاح مداخله‌گر در آب و هوا نام برده می‌شود. این گونه اظهارات تا چه اندازه می‌تواند قابل اعتنا و مستند باشد؟

مادر زمینه آگاهی‌بخشی و رفع این ابهام‌ها دچار کاستی قابل توجهی هستیم و سازمان هواشناسی می‌توانست در این باره روشنگری‌های بیشتری انجام دهد. امروز مسائل اقلیمی به شکل جدی در دنیا مطرح است. اخیراً رویداد کاب۲۸ در امارات‌متحده‌عربی برقرار شد و مراکز علمی و اجرایی‌ی ذی‌ربط تقریباً از سراسر دنیا در این رویداد مهم شرکت داشتند، اما متأسفانه ما شرکت نکردیم. همچنان که می‌دانید بحث تغییرات اقلیمی روزبه‌روز در دنیا جدی‌تر می‌شود و چه عامه مردم و چه متخصصان، این تغییرات را با گوشت و پوست و عینه لمس می‌کنند. در اواخر دی ماه قرار داریم و دی و بهمن ماه در الگوهای هواشناسی سردترین ماه‌های سال هستند، اما ما هنوز وقوع یخبندان را در تهران و خیلی از شهرهای‌مان تجربه نکرده‌ایم! اگر داده‌های ثبت‌شده هواشناسی را مورد توجه قرار دهیم یا از بزرگ‌تراها پرسیم، می‌فهمیم که طبق روال عادی الان در این موقع از سال هوا باید بسیار سرد باشد، اما این طور نیست. آذر ماه امسال در بسیاری از مناطق کشور یکی از گرم‌ترین آذرماه‌های ۵۰–۴۰سال اخیر را تجربه کردیم و خب این واقعاً نگران‌کننده است، چون نشان دهنده تغییرات اقلیمی قابل توجهی است که باید جدی گرفته شود، اما درباره ابردزدی یا استفاده از هارپ واقعیت این است که اسناد و مدارک علمی در این باره وجود ندارد. هارپ برای لایه‌های بسیار بالای جو طراحی شده است، در صورتی که بارش مربوط به لایه‌های پایین-جو-است.

دستکاری‌های ما تا چه اندازه در این باره تأثیر داشته است. اینکه به هر حال بخشی از طبیعت ایران وضعیت بسیار نگران‌کننده‌ای دارد.

شما مثلاً به پهنه آبی دریاچه ارومیه نگاه کنید که خشک شده است. بدون شک خشک‌شدن دریاچه ارومیه در تغییرات شرایط محیط زیستی منطقه و حوضه دریاچه مؤثر است، اما در چه سطحی؟ ما می‌دانیم که مثلاً دریاچه ارومیه، تشعشعات خورشید را جذب می‌کرده و اکنون بازتابش آفتاب از سطح خشک شده دریاچه می‌تواند تغییرات اقلیمی در این منطقه را تشدید کند- اگر چه سخن گفتن مستند در این باره نیازمند پژوهش‌های دقیق علمی است- اما با این حال این اتفاقات اثر محلی دارد نه ملی.

اما داستان ابردزدی و هارپ طرفدارانی حتی در میان مدیران کشور دارد.

بله، دوستانی در وزارتخانه‌های مختلف مدعی هستند اما در چند جلسه‌ای که شرکت کرده‌ایم، مدارک علمی و مستندی ارائه نشده است.

پس ریشه علمی این خشکسالی کجاست؟

ما وارد چهارمین سال خشکسالی شده‌ایم و علمی‌ترین مطلب در این باره، بحث تغییرات اقلیمی است، البته در این‌باره بنا پیچیدگی‌هایی هم مواجه هستیم. پیش‌بینی‌هایی که قبلاً صورت گرفته بوده حاکی از آن بود که امسال متأثر از پدیده ال‌نینو، سال پربارشی خواهد بود، اما هر چقدر جلوتر رفتیم، واقعیت بارش‌ها با آنچه در الگوها پیش‌بینی شده بود، منطبق نشد، البته میزان بارش‌ها در مهر و آبان امسال بد نبود، دست‌کم در مناطق زیادی نرمال بود، اما گرمای بسیار عجیب آذرماه و دی ماه عملاً به تغییر الگوهای فشار و کاهش نزولات جوی منتهی شد.

دیفاً چه اتفاقی با گرم‌شدن غیر طبیعی هوا می‌افتد؟

افزایش غیرطبیعی دما بر سیستم‌های فشار و الگوی آنها تأثیر می‌گذارد و می‌تواند به پدیده‌ای به نام «پلاکنینگ» منجر شود. پلاکنینگ پدیده‌ای است که می‌تواند جریان‌های جوی، شکل‌گیری و مسیر سامانه‌های جوی را تحت تأثیر قرار دهد. هنگام وقوع پلاکنینگ، جریان‌های غربی که در حالت طبیعی از غرب به شرق در حال حرکت هستند، مسیر اصلی خود را به سمت شمال یا جنوب تغییر می‌دهند و اقلیم مناطقی را که باید از روی آنها عبور می‌کردند، متأثر می‌کنند. به عبارت دیگر تداوم هوای پرفشار مانع می‌شود جریان‌ات باران‌زا که عمده‌تاً از سمت مدیترانه یا دریای سرخ و سودان به سمت ایران حرکت می‌کنند، تبدیل به نزولات جوی و بارش شوند. از طرفی ذات سیستم پرفشار این است که جو سنگین و پایداری بر آسمان منطقه حاکم می‌کند و این جو سنگین مانع بزرگی برای بارش به حساب می‌آید.

چه شروطی لازم است یک بارندگی اتفاق بیفتد؟

سه شرط اساسی لازم است. اول اینکه رطوبت باشد، دوم اینکه هسته‌های تراکم شکل بگیرد و سوم اینکه هوا سرد شود. ما به خاطر اینکه به باران و برف برسیم، چاره‌ای نداریم جز اینکه هوا در آسمان بالای منطقه‌مان تحت مکانیسمی سرد شود. در چه هوا باید پایین بیاید که به بارش منجر شود.

پس ممکن است در منطقه‌ای رطوبت باشد اما این رطوبت لزوماً به بارش منجر نشود.

بله، مثلاً در سواحل جنوبی کشور، همواره رطوبت در هوا وجود دارد اما در بیشتر اوقات سال به دلیل حاکمیت سیستم پرفشار و عدم‌امکان صعود هوا، بارندگی رخ نمی‌دهد. رطوبت در همه جای دنیا حتی در خشک‌ترین مناطق وجود دارد اما عامل مهم و تعیین‌کننده در وقوع بارندگی، سردشدن هواست. شما احتمالاً متوجه شده‌اید که وقتی از سطح زمین به سمت ارتفاعات بالا می‌روید، به تدریج فشار هوا کم

شده و دما کاهش می‌یابد، بنابراین ارتفاعاتی که در مسیر جریان‌های مرطوب و باران‌زا قرار دارند، معمولاً میزان نزولات بیشتری دارند، زیرا هوای مرطوب با بر خورد به ناهمواری‌ها ناچار به صعود می‌شود و ابر و بارش رخ می‌دهد، اما وقتی سیستم‌های پرفشار در منطقه‌ای حاکم می‌شوند، امکان صعود هوای مرطوب به لایه‌های بالاتر سردشدن توده هوا و وقوع بارش وجود ندارد.

اینکه معمولاً تابستان بارش وجود ندارد، به خاطر همین است؟

بله، در تابستان ایران سیستم‌های پرفشار در غالب مناطق کشور حاکم است و این سیستم‌ها مانع شکل‌گیری ابر و باران می‌شوند.

پیش‌بینی‌ها در این باره چه می‌گویند؟ منظورم استقرار سیستم پرفشار است که مانع بارش می‌شود.

پیش‌بینی‌های فصلی حاکی‌است شرایط فعلی احتمالاً تا اواسط اسفند ماه در آسمان کشور ادامه خواهد داشت و از آن به بعد تضعیف خواهد شد.

آیا می‌تواند مداخلاتی در این باره داشت؟

هنوز علم بشر به حدی نرسیده که در سیستم‌های فشار تغییراتی ایجاد کند. دقت کنید اگر واقعاً بشر توان دستکاری در بارش‌ها به واسطه هارپ در دست بود،

کشوری مثل آمریکا برای خشکسالی‌های خود چاره‌ای می‌کرد. بیش از ۲۰سال است یکی از

مهم‌ترین ایالت‌های آمریکا یعنی کالیفرنیا درگیر سخت‌ترین خشکسالی‌هاست. خب اگر کشوری می‌تواند با استفاده از سلاحی خشکسالی ایجاد کند، قاعدتاً باید بتواند آن را هم از بین ببرد و اگر آمریکا این توان را دارد، چرا برای خشکسالی کالیفرنیا نمی‌تواند چاره‌ای بیابد و به دنبال راهکارهای بسیار گران‌انقال آب به این ایالت می‌رود. اقلیم‌شناسان معتقدند علم بشری به حدی نرسیده است که بتواند لایه‌های جو را دستکاری کند.

یعنی هر گونه دخل و تصرفی در آب و هوا منتهی است؟

دخل و تصرف‌ها در سطح زمین مقدر است. شما وقتی مثلاً در منطقه‌ای که پوشش گیاهی نداشته و کم‌بزرخ بوده، نهال می‌کارید، این دخل و تصرف به تغییر شرایط آب و هوای محلی منجر می‌شود، چون شرایط حرارتی، پوشش زمین و انعکاس آفتاب تعیین‌کننده است. شرایط آب و هوایی در مجاورت زمین تحت تأثیر خصوصیات فیزیکی سطح زمین است. شما در خانه خودتان یک باغچه کوچک ایجاد می‌کنید، حتی در ابعاد کوچک، اثر حرارتی آن را در هوای دور و برش متوجه می‌شوید. حالا وقتی این پوشش را در منطقه وسیع‌تر در نظر بگیرید، مثلاً دشت‌هایی را در نظر بگیرید که پوشش گیاهی خود را از دست داده‌اند- دچار جنگل‌زدایی شده‌اند- این دخل و تصرف‌های بشر در سطح زمین تغییر شرایط اقلیم محلی را به دنبال خواهد داشت.

پس مثلاً وقتی یک منطقه وسیعی مثل دریاچه ارومیه تحت تأثیر خشکسالی قرار می‌گیرد، خشک‌شدن دریاچه‌ای در این مقیاس بر الگوهای بارش اثر

گفت‌وگو

سرویس گفت‌وگو ۰۶۰۸۸۵۲۳

گفت‌وگوی «جوان» با دکتر مهران زند، پژوهشگر خشکسالی و تغییر اقلیم

«ابر دزدی» تحریف مسئله کم‌بارشی است

پخش سیلاب، احداث سدهای زیرزمینی و عملیات آبخیزداری راه عبور از خشکسالی است

به سمت مرکز کشور حرکت می‌کنیم، می‌بینیم که از میزان بارش کاسته می‌شود.

شما در واقع می‌گویید ناهمواری‌های زمین در ترکیه بیشتر است؟

میانگین بارش در ترکیه حدود ۵۰۰میلیمتر در سال است که در مقایسه با میانگین ۲۲۰میلیمتر بارش سالانه در ایران وضعیت بسیار بهتری است، اما اینکه چرا ترکیه بارندگی بهتری دارد، اول به خاطر این است که این کشور در عرض‌های بالاتر جغرافیایی قرار دارد، دوم اینکه شرایط توپوگرافی و ناهمواری‌های بالاتری دارد و سوم اینکه دسترسی بیشتر و بهتری به منابع رطوبتی دارد. می‌دانیم که جنوب ترکیه، دریای مدیترانه است و شمال ترکیه، دریای سیاه و همین سه عامل دست‌به‌دست هم می‌دهد که شرایط بارش‌ها در ترکیه بهتر از ایران باشد.

آیا می‌توان از صنعتی‌شدن افسارگسیخته و استفاده مفرط از سوخت‌های فسیلی و آلودگی شدید و گرمای غیرطبیعی هوای شهرها به عنوان عامل کم‌بارشی یاد کرد؟

ما در تهران یک جزیره حرارتی داریم. شما اگر نیم‌رخ عرضی تهران را از مناطق شمالی شهر تا جنوب تهران (شهر ری و ورامین) در نظر بگیرید، شاخص جزیره حرارتی تهران در سال‌های مختلف چیزی حدود ۱۱ تا ۱۵درجه سانتیگراد برآورد شده است. ما نمی‌توانیم این جزیره حرارتی را انکار کنیم، اما نهایتاً تأثیرات محلی دارد. دقت کنید که شرایط گرمایش جهانی، دمای کره‌زمین را افزایش داده اما کمیت افزایش دما در نقاط مختلف دنیا متفاوت است. طبق بررسی‌هایی که انجام شده این افزایش دما در منطقه خاورمیانه بسیار بیشتر از شمال اروپاست. متأسفانه کشور ما هم متأثر از این افزایش جهانی دمای کره‌زمین بوده است و نمودارهای دما در ۵۰سال گذشته نشان می‌دهد به طور میانگین در ۱۰سال با افزایش ۰/۴۱درجه سانتیوس روبه‌رو بوده‌ایم که رقم بسیار قابل توجهی است و بسیار بیشتر از افزایش جهانی دما در کشورهای دیگر است و نشان می‌دهد ما در حال تجربه شیب تند افزایش دما هستیم و این در حالی است که تمام تبعات و بدیختی‌های تغییر اقلیم از افزایش این گرماتست، چون میان گرمایش هوا و رفتار الگوهای فشار جو که روی الگوهای مکانی و زمانی بارش تأثیر مستقیم دارند، رابطه وجود دارد.

امروز در رسانه‌ها از باروری ابرها به عنوان یک راهکار در افزایش بارش‌ها و نزولات جوی سخن به میان می‌آید. ظاهراً در ایران هم مؤسسه‌ای زیر نظر وزارت نیرو در این باره فعالیت می‌کند. سرمایه‌گذاری بر باروری ابرها و تجربه دیگر کشورها در این باره تا چه اندازه قابل اعتناست؟ منظورم این است که حتی اگر باروری ابرها مؤثر باشد، این تأثیر چه سهمی از افزایش بارش‌ها دارد و اساساً آیا امروز در دنیا به شکل گسترده‌تر از این روش استفاده می‌شود یا نه، بیشتر نوعی مکانیسم تبلیغاتی و روانی است؟

به ضرس قاطع می‌گویم که اگر ۱۰گزینه برای مقابله با خشکسالی پیش روی ما باشد، باروری ابرها گزینه آخر است. تجربه دنیا نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری و توجه به بارورسازی ابرها به عنوان یک راهکار غلبه بر خشکسالی، گزینه مطمئن و اثرگذاری نیست، البته در دنیا روی بارورسازی ابرها کارهایی انجام داده‌اند اما با توجه به پیچیدگی‌های خاصی که دارد و سرمایه‌گذاری بالایی که می‌طلبد، کارایی این روش در کشورها هنوز به اثبات نرسیده است و عملاً مدارک مستندی در این باره وجود ندارد، البته از بارورسازی ابرها می‌توان به عنوان یک راهکار مقطعی، محدود و محلی استفاده کرد اما در نجات ما در وضعیت و شرایطی که قرار گرفتیم، نیست. از طرفی اگر گفته شود کم‌بارشی آسمان ایران به خاطر بارورسازی ابرها در ترکیه است، اصلاً این طور نیست. اولاً ترکیه بارش‌های خوبی دارد و نیازی

به سمت مرکز کشور حرکت می‌کنیم، می‌بینیم که از میزان بارش کاسته می‌شود.

شما در واقع می‌گویید ناهمواری‌های زمین در ترکیه بیشتر است؟ میانگین بارش در ترکیه حدود ۵۰۰میلیمتر در سال است که در مقایسه با میانگین ۲۲۰میلیمتر بارش سالانه در ایران وضعیت بسیار بهتری است، اما اینکه چرا ترکیه بارندگی بهتری دارد، اول به خاطر این است که این کشور در عرض‌های بالاتر جغرافیایی قرار دارد، دوم اینکه شرایط توپوگرافی و ناهمواری‌های بالاتری دارد و سوم اینکه دسترسی بیشتر و بهتری به منابع رطوبتی دارد. می‌دانیم که جنوب ترکیه، دریای مدیترانه است و شمال ترکیه، دریای سیاه و همین سه عامل دست‌به‌دست هم می‌دهد که شرایط بارش‌ها در ترکیه بهتر از ایران باشد.

آیا می‌توان از صنعتی‌شدن افسارگسیخته و استفاده مفرط از سوخت‌های فسیلی و آلودگی شدید و گرمای غیرطبیعی هوای شهرها به عنوان عامل کم‌بارشی یاد کرد؟



می‌گذارد؟ قطعاً اثر گذار است اما دقت کنید که تأثیر این تغییرات، محلی است. منظورم این است که خشکسالی فراگیر کشور نمی‌تواند تحت تأثیر دریاچه ارومیه باشد، مثلاً ما افت محسوس بارندگی در تهران را به خشک‌شدن دریاچه ارومیه ربط

بدهیم. تعیین چگونگی تأثیر خشک‌شدن دریاچه ارومیه بر اقلیم و بارش منطقه نیازمند تحقیقات و بررسی‌های دقیق است.

پس شما عامل تعیین‌کننده را همان گرمایش جهانی و تغییر الگوهای فشار جوی می‌دانید؟

بله و علم بشر به حدی نرسیده است که بتواند عمادانه و در مقیاس جهانی یا منطقه‌ای، سیستم‌های آب و هوایی را تحت تأثیر قرار دهد.

امروز در رسانه‌ها برخی به مقایسه‌هایی دست می‌زنند و مثلاً بارش‌های ترکیه را با ایران مقایسه می‌کنند. اساساً این قیاس‌ها تا چه اندازه درست است؟

قطعاً این مقایسه‌ها درست نیست. به خاطر اینکه توپوگرافی ترکیه با ایران بسیار متفاوت است. کشور ترکیه شرایط متفاوتی دارد. ما می‌دانیم که ناهمواری زمین در بارندگی یک عامل تعیین‌کننده است، بنابراین توپوگرافی منطقه می‌تواند در این باره اثر گذار باشد. اگر دقت کنید رشت کوه‌های البرز و زاگرس نقش حیاتی در بارش‌های کشور دارند. کافی است تصور کنیم که

ایران فاقد این دورشته کوه بود، مسلم بدانید که ما در فقدان این دورشته کوه، کشور بسیار خشکی بودیم حتی از عربستان هم خشک‌تر.

گفت‌وگو

به باروری ابرها ندارد و حتی اگر این کار را انجام دهد، باید با بررسی‌های دقیق سهم و نقش همچون عملیاتی به طور علمی تعیین شود. اینکه کسی ادعا کند یک کشوری در جریان ابرها اختلال و انحراف ایجاد می‌کند، باید سند علمی ارائه کند. ترکیه با برنامه‌های بلندپروازانه در زمینه استحصال آب‌های سطحی و با ساخت سدهای متعدد در رودخانه‌های خود حتی رودخانه‌های مرزی مقابل چشم همسایگان (ایران و عراق) قنایه آنها را نمی‌دهد. در رابطه با کشور خودمان به رودخانه ارس توجه کنید که با سدهای احداث‌شده در ترکیه در حال خشک‌شدن است. ما ارس را رها کرده‌ایم و نگران بارورسازی ابرها در ترکیه هستیم!

به نظر می‌رسد گذشتگان و پدران ما «آگاهی اقلیمی» به مراتب بهتری نسبت به ما داشتند و با اینکه در همین اقلیم زندگی می‌کردند، با این حال با ابتکاراتی چون حفر قنات‌ها در خشک‌ترین مناطق ایران می‌توانستند از پس خشونت کم‌آبی و خشکسالی برآیند و جان سالم به در ببرند. چرا امروز با اینکه ما به گستره وسیعی از فناوری‌ها دسترسی داریم، اما حس می‌کنیم آگاهی اقلیمی ما نه تنها رشد نکرده است بلکه دچار نوعی انقطاع آگاهی شده‌ایم. اگر با این تحلیل موافق هستید، بفر ما میدریشه این گسست از واقعیت‌های یک اقلیم کجاست؟

این نکته بسیار کلیدی و مهمی است. ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی خود از هزاران سال پیش درگیر خشکسالی بوده است. دارپوش می‌گوید خدا یا این سرزمین را از دروغ و خشکسالی مصون دار. معلوم است ما از هزاران سال پیش درگیر این پدیده بوده‌ایم، اما همچنان که اشاره کردید گذشتگان ما از تکنیک‌هایی مثل حفر قنات، کاریز و سایر تکنیک‌هایی که عمدتاً در مناطق خشک ایران (مرکزی، شرق و جنوب) استفاده می‌شد، آرا به شیوه‌ای هوشمندانه استحصال، انتقال و ذخیره می‌کردند، با این حال امروز ما در کشور متأسفانه درگیر روش‌های پرهزینه و عجیب هستیم که جنبه تبلیغاتی دارد و کارایی و اهمیت روش‌های کم‌هزینه و ساده را دست‌کم گرفته‌ایم.

مثلاً چه روش‌هایی؟

پخش سیلاب، احداث سدهای زیرزمینی و عملیات آبخیزداری، ما به جز عملیات مکانیکی از عملیات بیومکانیک هم می‌توانیم استفاده کنیم که روش‌های کم‌هزینه و بسیار کارایی هستند و می‌توانند بهترین ابزارهای ما برای عبور از خشکسالی باشند.

منظورتان از روش بیومکانیک چیست؟

ترکیبی از روش‌های بیولوژیکی (کاشت نهال و بوته‌کاری) و عملیات مکانیکی (سازه‌ای).

مثال می‌زنید؟

مثلاً نهال کاری. شما می‌دانید یکی از عواملی که سیلاب را مهار می‌کند و به تثبیت منابع آب منجر می‌شود، پوشش غنی گیاهی در منطقه است. ما باید قبول کنیم که در اقلیم خشکی قرار داریم و ما ۸۵ تا ۹۰درصد مساحت کشور متأثر از اقلیم خشک و نیمه‌خشک است، بنابراین به جای اینکه سراغ گزینه‌های عجیب و غریب برویم، باید راهکارهای سازگاری و شرایط اقلیمی که در آن زندگی می‌کنیم، مدنظرمان باشد. هر اندازه که ما بتوانیم رفتارمان را با توجه به واقعیت‌های اقلیمی سازگار و مدیریت کنیم کرد و همچنان که اشاره کردم، عملیات آبخیزداری از مهم‌ترین راهکارها در این باره است، چون بسیار کم‌هزینه اما دارای کارایی است. نمونه دیگر آن پخش سیلاب است که در ایران چهره‌های مهمی مثل آقای دکتر کوثر و مراکز که مانند پژوهشکده حفاظت خاک و آبخیزداری در این باره پژوهش‌ها و اقدامات مؤثری انجام داده‌اند و در عمل نیز کارایی آبخوان داری و پخش سیلاب به اثبات رسیده است، چون حجم آبی که به واسطه این روش‌ها استحصال می‌شود، به مراتب بیشتر از روش انتقال آب و بارورسازی ابرهاست که علاوه بر سرمایه‌گذاری بالا به تخریب و مداخلات در محیط زیست منجر می‌شود.

پس از نگاه شما چاره این است که ما روش‌های مؤثر پیشینیان را دست‌کم نگزیریم.

بله، گاهی فناوری‌زدگی باعث می‌شود ما ارزش و تأثیر آموزه‌ها و روش‌های پیشینیان از جمله تکنیک آبخیزداری را دست‌کم بگیریم. در حالی که این تجارب امروز در دنیا مورد استفاده قرار می‌گیرد. چند وقت پیش ناظر به همین بحث در کارگروه کشاورزی مجلس به این موضوع اشاره کردم که ما به جای اینکه وقت خودمان را در این موضوعات و حاشیه‌ها تلف کنیم، بیابید از فرصت موجود استفاده کنیم و بر عملیات آبخیزداری متمرکز شویم.

ضمن اینکه مسا زنجیره آب، خاک و کشاورزی را به درستی نمی‌بینیم.

بله، همین طور است. ما گمان می‌کنیم که اینها جدای از هم هستند، در صورتی که در پیوند باهم عمل می‌کنند. اگر مزارع تضعیف شوند و پوشش‌های گیاهی از بروند، تخریب مزارع و پوشش گیاهی به از دست رفتن شدید منابع آب کمک خواهد کرد. ما حتی در کم‌بارش‌ترین سال‌ها هم باید آماده سیلاب باشیم و خودمان را تجهیز کنیم. نمونه‌ای از این اتفاقات را در حوادث سال‌های اخیر می‌بینید. مثلاً در همین سیل امامزاده داود دیدید که تا چه

اندازه غافلگیر شدیم، بنابراین می‌توانیم هم در موعد خشکسالی باشیم و هم شاهد سیلاب. راهکار مناسب وضعیت فعلی ما این است که خود را با شرایط وفق دهیم. به جای اینکه مردم را پتر سناییم و به شایعات دامن بزنیم که ابرهای ما را می‌دزدند و به این شکل صورت‌مسئله را تحریف کنیم- انگار ما هیچ ابتکاری از خود در این زمینه نداریم و مقهور رفتار دیگران یا شرایط طبیعت هستیم- به دنبال جمع‌کردن دانش و تجربه پیشینیان در کنار دانش امروز باشیم.